عنوان:

استادم جُعَل است!

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | t-10 |
| رده | تزکیه‌ای/تقوای عمومی/یقظه/حکایت های بیدارکننده |
| برچسب | یقظه، بیداری، حکایت، پاسداران حریم عشق، استاد، استقامت |
| توضیحات |  |

ابوالحجّاج اقْصُرى از برجستگان اهل معرفت، جليل القدر و صاحب منزلت است.

وى را از شاگردان شيخ عبدالرّزاق برشمرده‏اند كه از اجلّ اصحاب ابومدين مغربى- متوفى به سال 590- مى‏باشد.

- به وى گفتند: «من شيخُك؟»؛ (استادت كيست؟)

گفت: ابوجِعْران، استادم جُعَل(سوسک) است!

گمان كردند مزاح مى‏كند.

گفت: مزاح نمى‏كنم.

گفتند: چگونه جُعَل استاد توست؟

گفت:

شبى از شب‏هاى زمستان بيدار بودم، آن حيوان را ديدم به بلندى چراغ بالا مى‏رود و فرو مى‏افتد. تا صبح ششصد مرتبه بالا رفت هنوز به مقصد نرسيده فرو افتاد. براى نماز صبح از خانه بيرون رفتم، چون برگشتم، ديدم بر بالاى بلندى نزديك فتيله نشسته و به مقصد خود نايل گشته است.

**فهميدم در طلب و رسيدن به مقصود، بايد چنين بود.**

پاسداران حريم عشق، ج‏2، ص: 181